

هاینریش بل از برجسته‌ترین نویسندگان معاصر آلمان است که به شیوه واقع‌گرایی انتقادی می‌نویسد. جهان داستانی آثار او مملو از دسیسه‌بازی قدرتمندان و ستم صاحبان زور و زر است. هرچند که بعدها این نویسنده قدرتمند آلمانی را نویسنده‌ای سیاست‌پیشه خوانده‌اند و عمدتاً به وجه معنایی آثار او توجه کرده‌اند، اما آثار او از جنبه زیباشناختی نیز درخور توجه است و ویژگی کارش در این است که هیچ‌گاه به نحوه ارائه اثر و توجه به عناصر صوری آن نیز غافل نبوده و در کلیه آثارش دغدغه شکل نیز آشکار است.

می‌دانیم که جهان داستانی هر نویسنده مختص به اوست، حتی اگر میان مکان این جهان داستانی و مکان‌های واقعی خارج از متن، نام مشترکی وجود داشته باشد، مانند شهر برلین یا لندن و یا هر شهر دیگر، باز این شهرهای داستانی عیناً همان شهرهایی نیستند که در جهان خارج وجود دارند و میان مثلاً پترزبورگ داستایوفسکی (به رغم شباهت‌های کلی‌ای که با هم دارند) و پترزبورگ واقعی می‌بایست تفاوت قائل شد. از همین رو نباید با آلمان پس از جنگی که در عمده آثار بل وجود دارد، کاملاً همچون یک واقعیت بیرونی برخورد کرد، چراکه در غیر این صورت، ما نه با یک اثر ادبی، که با یک متن اجتماعی - سیاسی و یا سند تاریخی سروکار داریم، امری که خود بل نیز آنرا بر نمی‌تابد.

این جهان جدید در اصل سامان و زمان‌مندی خود را مدیون ذهن خلاق بل می‌داند و می‌بایست به آن نیز با همین عنوان برخورد کرد. به عبارت دیگر: سیاستمداران - افراد پلیس - روزنامه‌نگاران - بانک‌داران و یا دل‌دادگان رمان زنان برابر چشم‌انداز رودخانه می‌بایست در چهارچوب همین متن بررسی شوند و اعمال‌شان در راستای طرح کلی و ساختار همین اثر پاسخگو بوده باشد.

البته ما چه بخواهیم، چه نخواهیم اگر یک متن ادبی مدام از طریق نشانه‌های زبانی خود به بیرون از متن ارجاع دهد، مخاطب آن را با واقعیت بیرونی می‌سنجد، کاری که در مورد آثار بل تا حد زیادی صادق است.

خطر این که ما با متنی ادبی به مثابه یک سند سیاسی - اجتماعی برخورد کنیم آن است که دیگر نشانه‌های زبانی آن برای ما، نه در وجهی زیباشناختی، بلکه در وجهی اطلاع - رساننده و خبردهنده اهمیت می‌یابد و بیش از ادبیت آنها، تاریختشان مورد توجه ما قرار می‌گیرند و بدین ترتیب کم‌کم تقلیل یافته و از وادی هنر دور می‌شوند.

رمان زنان برابر چشم‌انداز رودخانه، ساختاری بدیع دارد و بل معنا را به کمک بازی‌های زبانی - شکلی ارائه داده است. این متن میان نمایش‌نامه و رمان در نوسان است البته اگر در صفحه اول کتاب نوشته نشده بود: «رمان در قالب گفتگو و تک‌گویی» و بعد هم نویسنده در یادداشت ابتدای رمان تأکید کرده بود: «...در این رمان، جز محل وقوع رویدادها همه چیز ساختگی است...»<sup>(۱)</sup> و همچنین در مقدمه اثر نیامده بود: «درونیات شخصیت‌هایی که در رمان ظاهر می‌شوند...»<sup>(۲)</sup> و در همین مقدمه نویسنده برای بهتر خواندن متن، اطلاعاتی درباره شخصیت‌ها به مخاطب نداده بود،

می‌بایست آن را نمایش‌نامه دانست، چراکه اولاً تک‌گویی شخصیت‌ها مانند تک‌گویی در نمایش‌نامه با صدای بلند انجام می‌گیرد و مانند رمان درونی نیست. (ابتدای فصل چهار، افا پلینت با خود سخن می‌گوید، اما هنگامی که هرمان ووبلر سر می‌رسد، مشخص می‌شود که حرف‌های افا را شنیده است)

دوم این که در صفحات ۱۰۸ و ۱۴۴ کتاب، هنگامی که نویسنده فضا و مکان را توصیف می‌کند از واژه صحنه و همچنین چگونگی قرار گرفتن تختخواب شخصیت‌ها نسبت به تماشاچیان سخن می‌گوید. به هر رو نام مهم نیست و این اثر در شکل فعلی‌اش به بهترین نحو ادای مقصود کرده و نویسنده در نحوه ساختاریخشی اثر موفق بوده است.

اینجاست که در می‌یابیم هاینریش بل هنگامی که ساختار اثر و الزامات متن ايجاب می‌کند از توآوری‌های شکلی رویگردان نیست و خود را مقید به شکل‌های از پیش تعیین شده نمی‌داند. رمان زنان برابر چشم‌انداز رودخانه خلاصه‌پذیر نیست، چرا که تعدد شخصیت‌های تقریباً هم‌سنگ و نبود یک واقعه مرکزی نشان می‌دهد که این رمان نشان‌دهنده یک موقعیت کلی است و برای اطلاع از آن می‌بایست کل آن را خواند. در این موقعیت که جنگ قدرت میان گروهی از مدیران عالی‌رتبه و مقامات سیاسی - اقتصادی، در کنار مسائل خصوصی آنها ترسیم شده است، هویت و جایگاه هر شخصیت آشکار می‌شود و مخاطب با بسیاری مسائل پنهان این گروه آشنا می‌شود. تعمق در این جهان داستانی و انطباق بی‌اختیار آن با جهان خارج از متن، باعث می‌شود خواندن این اثر مخاطب را در دریافت هرچه بهتر معنای زندگی و تفکر درباره مسائل هستی‌شناختی یاری رساند. به عبارت دیگر بزرگترین توفیق هاینریش بل، به فعالیت واداشتن ذهن و تفکر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# گریزدانانه از متن به بیرون متن

مخاطب، از طریق تحریک قوه تخیل اوست تا او مدام برای یافتن پاسخی مطلوب تلاش کند.

در همین جا لازم است به نکته‌ای اشاره کنیم. برخی از منتقدان، متن ترجمه شده را برای نقد مناسب نمی‌دانند و دلیل‌شان این است که زبان و لحن و نثر اثر، در ترجمه قابل انتقال نیست و چون این عناصر، نقش مهمی در شکل‌گیری رمان دارند، پس نمی‌توان در غیاب آنها به نقد رمان پرداخت. (بر فرض این که مترجم توانا بوده و در برگرداندن اثر موفق بوده باشد، در غیر این صورت مشکل مضاعف می‌شود)

ما با وجود پذیرش این امر، باز معتقدیم حتی در ترجمه به هررو می‌توانیم به عناصر دیگری از متن توجه کنیم و یک اثر برجسته، اگر خوب هم ترجمه شده باشد، می‌تواند نکات مهمی را درباره نحوه سامان‌بندی اثر، طرح (Plot) آن، شخصیت‌پردازی و توجه به کنش و واکنش آنها و همچنین نحوه ترسیم پس‌زمینه و مکان و مهم‌تر از همه معنای نهایی متن به ما بیاموزد و حتی به خطی زیباشناختی نیز بینجامد.

در مورد ترجمه این اثر باید بگوییم، با وجود روانی و سلاست ترجمه و دقت قابل تحسینی که مترجم گزافی در برگرداندن واژه‌ها و عبارات به کار برده است، مشکل او همان‌گونه که خود نیز تا حدی متوجه بوده، شکستن واژه‌هاست. به نظر ما شکستن واژه‌ها در این رمان امری اجتناب‌ناپذیر نبوده و برخلاف گفته مترجم محترم که استفاده از نثر معیار را ساده‌تر دانسته است، معتقدیم درست برعکس، استفاده از نثر معیاری که حال و هوای گفتگو و لحن مناسب آن را بتواند بدون شکستن واژه‌ها به درستی منعکس سازد، به مراتب دشوارتر از به کار بردن نثر شکسته است.

البته مترجم تا حدی از شکستن بی‌رویه واژه‌ها اجتناب ورزیده، اما باز شکستن برخی واژه‌ها

غیرضروری بوده است. مثلاً می‌توان با نوشتن همان واژه «مثل» به جای «مته» و «را» به جای «رو» همان فضای گفتگو را هم ایجاد کرد.

در رمان زنان برابر چشم‌انداز رودخانه هاینریش بل به خوبی توانسته است از خلال گفتگو شخصیت‌پردازی کند و این امر بسیار ارزشمند است. مثلاً ما در فصل اول رمان از گفتگوی خانم وویلر خصایص او را (پاکدامنی - تسلط بر نفس - آگاهی - زیرکی - به جان آمده از وضعیت موجود - سرپیچی از نیازهای کاذب قشری و گروهی) درمی‌یابیم. همچنین درمی‌یابیم که آقای وویلر مردی مردد - متزلزل - ترسو - خانواده دوست و در عین حال قدرت‌طلب و رفاه‌جو است. این‌گونه شخصیت‌پردازی غیرمستقیم باعث می‌شود مخاطب لذتی زیباشناختی ببرد، چرا که مخاطب تصور می‌کند شناختن خصایص شخصیت‌ها ناشی از کشف خود اوست و چون خود را در آفرینش متن دخیل می‌یابد از خواندن، لذتی زیباشناختی می‌برد.

نکته ظریف گار بل در این است که به کمک سخن هر شخصیت، خصایص شخصیت مقابل را برملا کرده است. این که مخاطب، هر شخصیت را از دیدگاه و دریچه چشم دیگری می‌بیند، بهترین روش ساخته شدن یک شخصیت است، چرا که اگر همان شخصیت خود بخواهد درباره خصایص خود سخن بگوید، اغلب به خطا می‌رود و هر شخصیت همانی نیست که خود درباره خود می‌گوید یا می‌پندارد، بلکه چگونگی خصایل او از بازتاب اعمالش در دیگری آشکار می‌شود.

علت این که نقد آثار هاینریش بل غالباً به نقد معنایی بدل می‌شود، وفور تصویرهای اجتماعی - سیاسی در آنها و سیلان معنا در زیر لایه آنهاست. به عبارت دیگر ویژگی ساختاری آثار او نقد معنایی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. مثلاً وقتی که در جهان داستان

او می‌بینیم که چگونه یک قشر و گروه اجتماعی، زنان قشر خود یا اقشار پایین‌تر را آلت دست خود می‌سازند و از آنها چون یک بازیچه در جهت مطامع و منافع خود بهره می‌برند و هنگامی هم که آنها پا از گلیم خود فراتر می‌گذارند، با پرونده‌سازی و دلایل واهی از صحنه اجتماعی خارج‌شان می‌کند (مانند شخصیت الیزابت بلا و کرمر و سرنوشت دردبار او در همین رمان) ذهن خود به خود به دنبال کشف روابط پنهان اجتماعی - سیاسی و علت حاصل آمدن این رخدادها می‌رود و اثر ادبی را استعاره‌ای از جهان واقعی می‌پندارد و وقایع آن را نمادی از واقعیت برون‌متنی به حساب می‌آورد.

آشنا بودن مخاطب با خصایص کلی شخصیت‌ها و اعمال بیرونی آنها در عالم واقعیت (مثل نحوه عملکرد بانکدارها - نمایندگان مجلس و وزرا در همین رمان) مخاطب را در جهت تأیید آن پندارها تقویت می‌سازد و باعث می‌شود که او ناخودآگاه در ذهن خود، اثر ادبی را «مناد»ی از جهان متکثر خود بپندارد و ادبی بودن شخصیت‌ها و جهان داستان را به فراموشی بسپارد و همه را تقلیدی از جهان بیرونی بداند.

در این حالت، تأکید بر خیالی بودن وقایع و شخصیت‌ها همان‌گونه که خود بل نیز در ابتدای رمانش بدان اشاره کرده، دردی را از مخاطب دوا نمی‌کند و او همچنان، میان وقایع داستان و وقایع برون‌متنی تناظر یک‌به‌یک قائل می‌شود. این عمل درباره داستان‌هایی که مرکز ثقل‌شان کشاکش سیاسی - اجتماعی است، محسوس‌تر است.

هرچند انگار خود بل با اشاره‌هایی صریح به برخی مسائل خارج از متنی، به این امر دامن می‌زند. مثلاً در داستان خود از شخصیت‌هایی وابسته به اتحاد شوروی و کوبا (در زمان نگارش اثر، بلوک شرق دچار فروپاشی نشده بود) سخن می‌گوید و به نیکاراگوئه و آمریکا و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

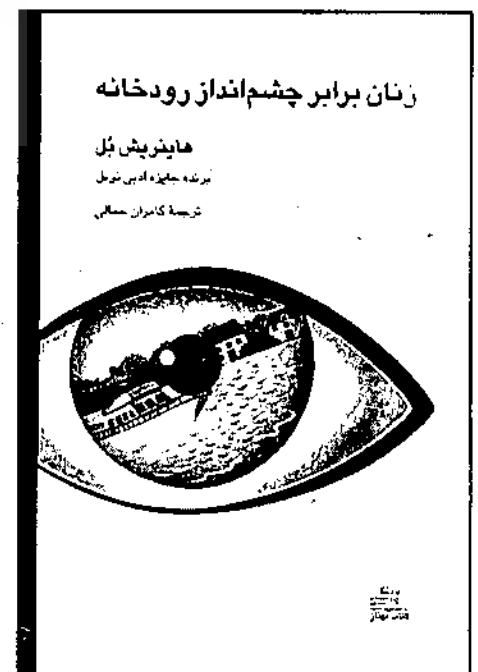
محمدرضا گودرزی

زنان برابر چشم‌انداز رودخانه

هاینریش بل

کامران جمالی

کتاب مهنا، ۱۳۷۷



آلمان شرقی نیز مدام اشاره می‌کند و خودبه‌خود ذهن خواننده را به خارج از متن ارجاع می‌دهد.

در این میان اشارهٔ بل به برخی مسائل اجتماعی نشان‌دهندهٔ تسلط و آگاهی بی‌نظیر او از این‌گونه مسائل است و به خواننده جهت یافتن درک روشن‌تری از جهان بیرون کمک می‌کند. مثلاً وقتی که او درباره «پاول شونت» از زبان «کارل کریل» شخصیت محبوب این رمان می‌نویسد: «شونت از به نوع حیوانی برخورداره: منافع خودش و دولت رو طوری با هم قاطی می‌کنه که دولت تبدیل به شونت می‌شه و شونت دولت از آب در می‌آد.»<sup>(۴)</sup> طبیعی است که خواننده با آشنایی‌ای که از این ویژگی در برخی شخصیت‌های بیرون‌متنی دارد، بلافاصله ذهنش به دنبال آنها بگردد و از متن ادبی دور شود، هرچند که ذهنش دربارهٔ این مسائل روشن‌تر شود و به شناخت بهتری از مسائل اجتماعی دست یابد.

البته هر قدر هم که ما روی ادبیت متن تکیه کنیم، کارکرد ذهن و زبان به گونه‌ای است که وقتی نویسنده‌ای از صفتی سخن می‌گوید، به سرعت موصوف غایب در ذهن مخاطب حاضر می‌شود و این جادویی است که نویسندگان اندیشمند را برای هرچه بهتر نشان دادن محتویات ذهنی‌شان یاری می‌رساند. بخصوص آنجا که نویسنده‌ای چون بل، در همین رمان اشاره‌های مستقیمی به جنایتکاران جنگی و کهنه‌نازی‌ها هم کرده و به نحوهٔ شکل‌گیری نئونازیسم در آلمان هم پرداخته است.

در این حالت، چون زبان اثر، به خود واقعه یا شخصیت اشاره کرده و دیگر نیازی به نماد و استعاره نداشته، جنبهٔ ادبی زبان با جنبهٔ اطلاع‌رسانی آن خلط شده و جا عوض کرده‌اند. در این حالت، ارزش

زیباشناختی نشانه‌ها در اهمیت ثانوی قرار می‌گیرد و صادق بودن زبان و مطابقتش با واقعیت مهم‌تر می‌شود. مهم‌ترین ویژگی آثار هاینریش بل، در هم‌آمیزی این دو زبان ادبی و اطلاع‌رسان، به شکلی شگفت و هنری با هم است.

نکته‌ای که خواننده همواره می‌بایست بدان توجه داشته باشد این است که برای خواندن یک متن ادبی، هیچ‌گاه نباید عناصر و اجزای پراکندهٔ متن را از کلیت آن جدا کند، بلکه می‌بایست هر موقعیت و وضعیت را در چهارچوب کلی همان متن در نظر بگیرد. پس از آن است که می‌توان این جهان ادبی را استعاره‌ای از جهان واقعی (که آن هم به صورت کل در نظر گرفته می‌شود) به حساب آورد. این رفت و برگشت ذهنی به دریافت هنری مخاطب و نحوهٔ ارتباط برقرار کردنش با یک متن از یک سو و مهارت نویسنده در ساختن سامان‌مند جهان داستانش از سوی دیگر وابسته است.

یکی از اشکالاتی که (هرچند کوچک) می‌توان به رمان زنان برابر چشم‌انداز رودخانه گرفت نحوهٔ یادآوری خاطرات شخصیت‌هاست. همه می‌دانیم که هرگاه از واقعه‌ای سال‌های بسیاری بگذرد (مثلاً در مورد اریکا ووبلر ۴۰ سال گذشته است) جزئیات ماجرا دیگر در خاطره باقی نمی‌ماند و فقط کلیات آن و استثنائاً برخی جزئیات کلیدی در ذهن باقی می‌ماند. اما در این رمان هنگامی که اریکا ووبلر جزئیات اتاق خود را در ۴۰ سال قبل به یاد می‌آورد، از هیچ چیز فروگذاری نمی‌کند. (صفحه ۵۶ رمان) این صحنه طوری روایت شده است که انگار راوی در همان زمان حال مقابل این فضا قرار گرفته است و یا دیدن آنها برمی‌شماردشان.

حتی اگر بپذیریم که صحنهٔ مورد نظر برای اریکا اهمیتی بسیار داشته است، اما باز به یاد آوردن این همه

جزئیات از اشیاء و مکان، باورناپذیر است. اشکال دوم در بخش تک‌گویی‌هاست. یک شخصیت داستانی در تک‌گویی‌اش مسائلی را برای خود واگویی می‌کند که برایش مهم و ضروری‌اند، مثلاً نمی‌آید از نحوهٔ آرایش اشیاء و پد نکاتی غیرضروری (که البته برای مخاطب ارزش اطلاعاتی دارند، ولی برای خود شخصیت غیرضروری‌اند) سخن بگوید. به عبارت دیگر، او دربارهٔ دغدغه‌ها و مشکلاتش با خود واگویی می‌کند و هیچ‌گاه مثلاً نمی‌گوید: «خلاصه کنم: من باید بین ساعت ۷ و ۸ سوپو بخورم، اون دوست داره ساعت ۸ شام بخوره...»<sup>(۴)</sup>

این جمله جنبهٔ اطلاع‌رسانی و خبردهی دارد و از ویژگی تک‌گویی به دور است. حتی لفظ «خلاصه کنم» نشان می‌دهد که انگار او برای مخاطب سخن می‌گوید و می‌خواهد حرف‌هایش را برای او جمع‌بندی کند.

در همین بخش، یعنی ابتدای فصل چهارم، بسیاری از واگویی‌های افا کریل... برای خود او غیرضروری است و نیازی به واگویی آنها ندارد، مگر این که بپذیریم او برای مخاطب سخن می‌گوید و قصدش ارائه اطلاعاتی دربارهٔ خود به اوست.

در خاتمه باید گفت: بل نویسنده‌ای به شدت اخلاقی‌گراست و اشاره او به اخلاقیها و بی‌بندوباری‌های قدرتمندان و سیاستمداران جهان داستانش، تنها اشاره‌ای است به این واقعیت که این قشر برای پیشرفت خود، از زیرپا نهادن هیچ چیز ابا ندارد و اخلاقی جز پول نمی‌شناسد.

\*\*\*

(۱)(۲)(۳)(۴) صفحات ۹، ۷، ۲۱ و ۹۰ رمان «زنان برابر چشم‌انداز رودخانه» اثر هاینریش بل / ترجمه کامران جمالی / نشر کتاب مهناز / چاپ اول

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

